خراسان بزرگ:سال دوم،شماره(۲)، بهـار ۱۳۹۰
Quarterly bulletin of Greater Khorasan:Vol.2, No. 2, Spring 2010

نقش آمـــایش ســرزمین در بازیــابی و تقویــت هویــت فرهنگی و تمدنی خراسان بــزرگ[۱]

حمیدرضا میــرزایی[۲]، سجاد کمــری[۳]

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱/۲۰
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۳/۲۵

چکیــده

با ورود ایران به عصر جدید و دوره‌ی صنعتی ، همانند دیگر جوامع، سرمایه‌گذاری با اولویت در بازدهی و ارزش افزوده‌ی بیشتر مورد توجه قرار گرفت و متأسفانه نظر به ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تمدنی در مسیر توسعه به دست فراموشی سپرده شد یا حداقل مورد کم‌توجهی قرارگرفت. این نگاه تا سال‌ها بعد در سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه‌ای کشور تداوم داشت. ازاین‌رو، دولت مردان ایران (حداقل تا پیش از انقلاب اسلامی) همواره به چند قطب خاص، آن هم با نگاه اقتصادی توجه نشان می‌دادند. به‌این‌دلیل ضمن در حاشیه قرار گرفتن ذخایر تمدنی ایران‌زمین همچون خراسان، شکاف عمیقی در روند توسعه میان مناطق مختلف کشور در ابعاد گوناگون اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ایجاد شد. غافل از این‌که این مناطق به‌ظاهر محروم با توجه‌به‌دارا بودن ظرفیت‌های بالقوه‌ی تاریخی، با یک برنامه‌ریزی صحیح، آمادگی تبدیل شدن به‌مراکز عظیم تولید ثروت در شکل‌های مختلف آن (دانش، فرهنگ، اقتصاد) را در سطح بین‌المللی و ملی دارند از جمله این برنامه‌ریزی‌ها، اجرای صحیح آمایش سرزمین است که به نظر می‌رسد یکی از بهترین روش‌ها برای توسعه‌ی همه‌جانبه و پایه‌ای باشد. آمایش سرزمین آزمایش و تجربه‌ی موفقی نیز در سایر جوامع و همچنین در مطالعات موردی در ایران داشته است.

---

[۱] این مقاله استخراج شده از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده (سجاد کمری) تحت عنوان«بررسی تاریخچه آمـایش سـرزمین در ایران» است، و از آنجا که حاصل مطالعات نویسنده می‌باشد، از منابع پاورقی و ارجاعات در آن استفاده نشده است.

[۲] استادیار دانشگاه زابل.

[۳] کارشناس ارشد آمایش سرزمین.

مقدمـه

«آمایش» از مصدر آماییدن و آماده نمودن می‌آید و معنـای لغـویش، همـان آمـاده نمـودن و بسترسازی مناسب است. بنابراین، آمایش سرزمین به معنای استفاده‌ی مناسب و بهینـه از فضـای سرزمینی در جهت توزیع و بهره‌برداری مناسب از همه امکانات و ظرفیـت‌هـای مـادی و معنـوی است. با شروع اولین مطالعات آمایش در ایران (نیمه‌ی اول دهه ۵۰ شمسی) توسط سازمان برنامه و بودجه سابق با عاملیت شرکت فرانسوی «ستیران»، گـامی مـؤثر در تحقـق مبحـث توسـعه‌ی موزون و پایدار کشور برداشته شد؛ اما به دلیل همان نگاه سرمایه‌داری و غربگرا و منفعـت‌طلبانـه، حداقل تا پایان دوران پهلوی، نتیجه یا بهره‌برداری خاصی از ایـن مطالعـات صـورت نگرفـت. بـا پیروزی انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه پس از پایان جنـگ ایـران- عـراق، جهـت تحقـق عـدالت اجتماعی، مطالعات جدید و مؤثری در این زمینه انجام‌گرفت. همان‌طور که اشاره شد، مؤلفـه‌هـای اصلی آمایش سرزمین ۱- فضای جغرافیایی، ۲- نیروی انسانی و ۳- امکانات بالفعـل و بـالقوه‌ی مادی و معنوی است. با نگاهی به سرزمین خراسان، ما شاهدحضور این مؤلفه‌ها به صورت‌هـای مختلف هستیم واین‌سرزمین از این لحاظ در وضعیت مطلوبی قرار دارد. بنابراین، ازاجرای آمایش-سرزمین نه تنها می‌توان در جهت ساماندهی و تقویت شاخص‌های اساسی خراسان استفاده کـرد، بلکه این‌امرمی‌تواند الگوی تأثیرگذار و قدرتمندی برای سایر مناطق در سـطح ملـی، منطقـه‌ای و بین‌المللی فراهم‌سازد.

مراد از «خراسان بزرگ» در این پژوهش، خراسان تـاریخی و تمـدن‌سـاز شـامل سـه اسـتان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنـوبی و همچنـین قسـمت اعظـم اسـتان سـمنان و همچنین استان سیستان و بلوچستان در ایران و کل افغانستان به جز بخش‌هایی از شرق و جنوب آن، تقریباً تمـام کشـورهای تاجیکسـتان، ترکمنسـتان و قرقیزسـتان امـروزی و بخـش‌هـایی از ازبکستان و قزاقستان است، اما آن‌چه در تحقیق پیش رو بیشتر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد بخـش امروزی خراسان تاریخی در مرزهای کنونی ایران است.

سرزمین خـراسان از گذشته تا اکنـون

همان‌طور که گفته شد، یکی از سه مؤلفه‌ی اصلی در هر مطالعه‌ی آمایشی، در نظـر گـرفتن امکانات و توانمندی‌های بالقوه و بالفعل یک منطقه یـا سـرزمین اسـت. بررسـی مختصـر تـاریخ خراسان بزرگ، نشان‌می‌دهد که از هزاران سال پیش از میلاد مسیح، ایـن سـرزمین مهـد تمـدن

بشری بوده و همواره موجب شکل‌گیری فرهنگ‌ها و تداوم آن‌ها شده‌است نکته‌ی جالب تـداوم و نقش‌آفرینی فرهنگی خراسان در کنار جایگاه تمدنی آن در طول تاریخ چندهزار ساله‌ی آن اسـت. بررسی اسناد تاریخی نشان می‌دهد هجوم خرده‌فرهنگ‌ها، حتی به صورت قهـری و نظـامی، نـه تنها نتوانسته است خللی در این نقش‌آفرینی به وجود آورد، بلکه تلفیق و تلطیـف‌سـازی فرهنـگ های وارداتی به وسیله خراسانیان به غنا و بالندگی بیش از پیش آن افزوده است. براسـاس افـق چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران، مناطق و اسـتان‌هـای مختلـف کشـور ازبعـداجتماعی-وفرهنگی‌به‌سه‌دسته‌تقسیم‌می‌شوند:

۱- مناطقی با عملکرد اجتماعی و فرهنگی فراملی که دارای شاخص‌هایی چون:
الف)پیشینه‌ی‌تاریخی‌وفرهنگی،
ب) برخورداری از نمادهای مرکزیت فرهنگی به‌دلیل سابقه‌ی‌تاریخی، است،
پ)برخورداری از امکانات و فرآورده‌های فرهنگی که توان پوشش جوامع دیگر را داشته باشد،
ت) برخورداری از معیارهای زبان، مذهب و قومیت که فصولی‌مشترک باجوامع دیگر داشته باشد،
ث) داشتن جایگاه جغرافیای فرهنگی که برای نقش‌های فراملی کلیدی‌است،
ج)برخورداری از تحولات ژئوپلیتیک منطقه‌ای و جهانی
چ)داشتن زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی.

۲- مراکزی با عملکرد اجتماعی و فرهنگی ملی و منطقه‌ای که دارای ویژگی‌هایی چون:
الف) برخورداری از امکانات و فرآورده‌های فرهنگی که توان پوشش ملی و منطقه‌ای داشته باشد،
ب) وضعیت مناطق محروم پیرامونی،
پ) برخورداری از فرآورده‌های سنتی و فرهنگی برای استان‌ها و مناطق دیگر و
ت) برخورداری از معیارهای زبان، مذهب و قومیت که فصول مشترکی با استان‌های همجوار داشته باشند.

۳- مراکزی با عملکرد اجتماعی و فرهنگی استانی. این مناطق دارای ویژگی‌هایی چون:
الف)عدم برخورداری از شرایط مذکور در مناطقی با عملکرد فراملی، ملی و منطقه‌ای،
ب) بحرانی بودن اوضاع اجتماعی،

پ) آسیب‌های اجتماعی و میزان بزهکاری و باندهای غیرقانونی و
ت) عدم کفایت امکانات فرهنگی برای مردم استان.

با بررسی و ارزیابی آماری و تاریخی مختصری، مشاهده می‌شود که خراسان بزرگ در صورت توجه می‌تواند دارای عملکردهای گروه اول این تقسیم‌بندی باشد (عملکرد فراملی) وازاین‌رو، نقش ویژه‌ای را در معادلات فرهنگی نه تنها در بعد ملی، بلکه در بعد فراملی و درازمدت ایفاکند. واقعیت این است که خراسان بزرگ به دلیل تاریخی و جایگاه ویژه‌ی تمدنی و فرهنگی‌اش، سرشاراز جلوه‌های متنوع و نکات برجسته است که اگر بخواهیم به همه آن‌ها اشاره کنیم، هرگز در دایره‌ی یک مقاله یا کتاب نمی‌گنجد. پس مطالب پیش‌رو تنها اشاره‌ای مختصر برای مشخص کردن زوایایی از ظرفیت‌های این خطه‌ی تاریخی است.در این‌جا برای روشن‌تر شدن مطلب به بررسی مختصری از وضعیت کنونی مناطق مختلف این‌سرزمین‌بزرگ می‌پردازیم.

خراسان جنوبی: متأسفانه، باید این استان را محروم‌ترین استان کشور دانست‌که این امر آن را در اولویت هر نوع برنامه‌ریزی مبتنی بر محرومیت‌زدایی قرار می‌دهد؛ به‌ویژه که ازسوی گرداب فرهنگی افغانستان‌نیزدرمعرض آسیب است. اقلیت اهل تسنن حنفی مذهب نیز در مناطق مرزی این استان زندگی می‌کنند که باید مورد توجه قرار گیرند. بی توجهی به آن‌ها نه تنها به استان، بلکه به کل کشور لطمات افزون‌تری خواهد زد.

خراسان رضوی: خراسان خاستگاه یکی از سه قوم بزرگ و باستانی ایرانیان، یعنی پارت‌ها است. طاهریان، سامانیان، غزنویان و افشاریه نیز با تاریخ و فرهنگ این سرزمین پیوند خورده، خراسان همواره دروازه‌ی ایران به سوی تمدن‌های مشرق زمین بوده است، جایی که فردوسی توسی آرمیده و انگار ما را با ملیت ایرانی‌مان صدا می‌زند و هنوز پژواک آن با گذشت قرن‌ها به گوشمان می‌رسد. درزمینه‌ی توسعه یافتگی اجتماعی- فرهنگی، براساس شاخص‌های کمی یونسکو این استان در میان سه سطح: ۱- دارای امکانات، ۲- نیمه برخوردار از امکانات ۳- محروم از امکانات در سطح دو قرار گرفته است و رتبه‌ی نهم را در کشور احراز کرده است. با توجه به تاریخ کهن خراسان و جایگاه آن به عنوان یک کانون فرهنگی در گذشته، متأسفانه این- امکان اکنون‌در جایگاه مناسبی قرار ندارد؛ ولی همان‌طور که گفته شد، از توان فرهنگی بالایی برخوردار است که می‌تواند کشورهای آسیای میانی را از نظر فرهنگی پوشش دهد؛ به‌خصوص در زمینه‌های ادب و هنر پارسی. بنابراین خراسان‌رضوی‌می‌تواندقطب فرهنگی‌به‌یک محور شمال

شرقی و شرق باشد. قرار گرفتن حرم امام رضا(ع) در این استان نیز آن را قطـب مـذهبی فراملـی تبدیل‌ساخته‌است. مرکزاین‌استان سالانه محل زیارت شیعیان استان‌ها و حتی کشورهای مختلـف است که ازاین‌نظرجنبه‌های گردشگری مذهبی آن نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

استان خراسان شمالی: نحوه‌ی تقسیمات استان و انتخـاب شـهری بـه عنـوان مرکـز ایـن استان که موجب برخی از درگیری‌های محلی شد، باید بیشتر مورد مطالعه و توجه قرار گیرد. هـم مرزی با آسیای میانه توان بالقوه‌ی بالایی را بـرای سـرمایه‌گـذاری‌هـای فرهنگـی و گردشـگری دراین‌استان مطرح می‌سازد.تعداد اهل تسنن حنفی‌مذهب که اکثراً از تـرکمن‌هـا هسـتند، در ایـن استان چشمگیراست. آن‌ها مسلماً می‌توانند پل ارتباطی قوی‌ای بین ایـران و کشـور ترکمنسـتان باشند.

استان سمنان: بنای شهر سمنان را به طهمورث نسبت می‌دهند. شهر دامغان از آن نیز کهن تر است. تاریخ از مرکزیت ایالتی در ایران باستان به نام قومس طبرمـی‌دهـد کـه همـان دامغـان امروزی است .قدمت‌این‌شهر حتی بـه ۳۵۰۰ تـا ۴۰۰۰ سـال پـیش از مـیلاد مـی‌رسـد. عـده‌ای ازاستادان وپژوهشگران ایران‌باستان از این هم عقب‌تر رفته و آن را پایتخت پادشـاهان افسـانه‌ای ایران‌زمین یعنی کیانیان شمرده‌اند. توسعه‌یافتگی اجتماعی- فرهنگی استان سمنان نشان داد که این استان در میان سه سطح ذکرشده در سطح یـک قـرارداد و پـس از تهـران رتبـه‌ی دوم را در کشور احراز کرده است. با وجود آن‌که این استان در بخش اجتمـاعی- فرهنگـی نسـبت بـه کـل کشور از جایگاه مطلوبی برخوردار است، ولی در بخش برنامه‌ریزی در امور زیربنایی باید همچنـان جدی گرفته شود.

استان سیستان و بلوچستان: در این استان، دو قوم بلوچ و سیستانی (سکستانی) که از اقوام قدیمی ایران‌زمین به شمار می‌روند، زندگی می‌کنند. پنداری حماسه‌ی رستم ایرانی هنوز از آن‌جـا طنین‌انداز است، جایی که یعقوب‌لیث صفاری با وجود داشتن حکومت، با نان جـویی مـی‌سـاخت. این استان با مکان‌هایی باستانی چون «شهر سوخته» و«دهانه‌ی علامان» می‌توانـد بـه یکـی از اصلی‌ترین مناطق گردشگری تاریخی تبدیل شود. در شهر سـوخته نخسـتین چشـم مصـنوعی و نخستین انیمیشن شناخته‌شده در جهان یافت شده است. شهری که به دهانه‌ی علامـان موسـوم است و بزرگ‌ترین نقاشی دیواری باستان در آن‌جـا کـاوش شـده، گویـای ظرفیـت‌هـای بـالای گردشگری در این منطقه است. «دهانه‌ی غلامان» که نام اصلی آن هنوز مشخص نیسـت، چنـد دوره‌ی تمدنی را در خود نهفته دارد. کهن‌ترین دوره‌ای که بـه‌دسـت رسـیده، دوره‌ی هخامنشـی

است، اما قدمتش به پیش از آن می‌رسد؛ زیـرا طراحـی شـهری و مهندسـی آن در هـیچ یـک از شهرهای هم‌دوره آن دیده نشده، که‌این حکایت از تمدنی کهن‌تر و شاید حتی پیش‌رفته‌تر داشته-باشد. مسلمانان سنی مذهب اکثریت جمعیت این استان را تشکیل می‌دهند، اما در شـمال اسـتان اکثریت با شیعیان است.

در بخش امور استانی و درجه‌ی توسعه‌یافتگی اجتمـاعی و فرهنگـی، سیسـتان‌وبلوچسـتان در سطح سه یعنی‌جزء مناطق محروم است. این منطقه متأسفانه در مرزهای شرقی و جنوب شرقی با یک‌گرداب فرهنگی به معنای دقیق کلمه روبه رو است، گردابی کـه حتـی مـی‌توانـد آن را غـرق سازد؛ چیزی شبیه اتفاقی که‌برای پاکستان درمجـاورت بـا افغانسـتان روی داد و موجـب پسـرفت اجتماعی و فرهنگی این کشور در دو دهه‌ی گذشته شد. ازآنجاکه بافت عشیره‌ای ایـن اسـتان در آن سوی مرزنیز پیوندهایی دارد، نیاز بـه برنامـه‌ریـزی بلندمـدت دارد تـا تحـولاتی در قشـرهای اجتماعی و عشیره‌ای به وجود آورد و در بلندمدت به ارتقای سطح اجتماعی و فرهنگی منطقـه در ابعاد مختلف وکاهش‌های‌آسیب‌های اجتماعی منجر شود. از آن‌جا که محرومیـت در ایـن منطقـه بسیار زیاد است و نیاز به برنامه‌ریزی‌هایی در زیرساخت اجتماعی دارد، در ظـرف ۱۰ تـا ۱۵ سـال آینده نمی‌تواند به عنوان یکی از قطب‌های فرهنگی مطرح شـود. تنهـا پـس از تحقـق تحـولات زیربنایی اجتماعی است که می‌توان به تبدیل آن به قطبـی فرهنگـی در شـرق امیـدوار بـود. در تقسیمات کشوری نیز چون برخی درگیری‌ها از اختلاف قومی بین بلوچ‌ها و سیستانی‌ها (زابلی‌ها) برمی‌خیزد، باید مطالعاتی دقیق و علمی پیرامون امکان تقسیم این اسـتان محـروم بـه دو اسـتان مجزای سیستان و بلوچستان انجام پذیرد تا هم دسترسـی بـه منـابع و امکانـات سـهل‌تـر و هـم خودگردانی محلی عملی گردد.

با نگاهی به مطالب عنوان‌شده درمی‌یابیم با وجـود برخـورداری بـالای منطقـه‌ی خراسـان از لحاظ فرهنگی، متأسفانه در برخی مناطق به‌ویژه مناطق جنوبی (خراسان جنـوبی و سیسـتان) بـه جهت عدم توزیع مناسب منابع و در نظر نگرفتن قابلیت‌هـای فرهنگـی و تمـدنی از یـک سـو، و تأثیرپذیری از فرهنگ‌ها و شرایط محیطی مناطق همجوارازسوی‌دیگر این توانمندی‌ها تبدیل بـه نقطه‌ی ضعف شده است و به جای این‌که قابلیت جذب داشته باشـد، بیشـتر منشـأ دفـع در ابعـاد مختلف است.

خـراسان بزرگ چشـم‌انتظار آمـایش سرزمین

به نظر می‌رسد آن‌چه به ما در دستیابی به مسیری موفق و مطمئن و درنتیجه، قابـل اجـرا در بحث آمایش سرزمین خراسان کمک می‌کند، عدم تکرار ضعف‌های گذشته در برنامـه‌ریـزی‌هـای آمایشی است که از جمله آن‌هامی‌توان‌به:

۱- در نظر نگرفتن شرایط خاص هر منطقه،

۲- عدم تداوم، استمرار و پیگیری در مطالعات گذشته،

۳- نبود مجری و متولی خاص و یا تغییر مداوم آن در زمان‌های مختلف

۴- عدم رعایت سلسله مراحل هر طرح درازمدت اشاره‌کرد.

براین اساس، در تحقیق پیش‌رو کوشش می‌شود برای تحقق این مسئله سیاسـت‌هـای کلـی نظام در دوره‌ی چشم‌انداز ۲۰ ساله در مقوله آمایش سرزمین که حاصل تقریبـاً همـه مطالعـات و برنامه‌ریزی‌های آمایشی پیش و پس از انقلاب است، مدنظر قرار گیرد تـا کمتـرین خطـا در ایـن زمینه صورت پذیرد.

پایـدارسازی فـرآیندتوسعه با تکیه برحفـاظت از محیـط‌زیست و بهره‌بـرداری بهینـه از منـابع

آن‌چه در اولین نگاه در هر برنامه‌ریزی آمایشی مورد توجه قرار می‌گیرد محیط و بستری است که قرار است این برنامه‌ها بر روی آن پیاده شود. منابع و به تعبیری ظرفیت های آن بستر یکی از شاخص‌های اصلی در جهت‌گیری و تعیین نوع مطالعات است، چرا که هر طرح و برنامه‌ای بدون در نظر گرفتن محیط، توانمندی‌ها و چالش های آن از همان ابتدا محکوم به‌شکست است. به نظر می‌رسد خراسان در طول حیات خود، دچار تحولات عمیق و ریشه‌ای فراوانی چه در بعد طبیعی و چه در بعد انسانی شده است؛ اما در سالیان اخیر چند اتفاق مهم و سرنوشت‌ساز در این زمینه روی داده که مستلزم نگاهی ویژه است. یکی از این اتفاق‌ها چندپارگی سرزمینی هم در بعد خارجی (تقیسم خراسان بزرگ میان در چند کشور مختلف) و هم در بعد داخلی (تقسیم‌بندی استانی) است. البته مورد دوم اگر با رویکرد توسعه‌ای و تقسیم کار در این مسیر باشد، امری نامطلوب به شمارنمی‌رود اما خواه ناخواه پیامدهای‌آن گریبانگیر خراسان شده است. چندپارگی سرزمینی باعث

شده به همان میزان از لحاظ هویتی نیز این اتفاق رخ‌بدهد که این‌عمرگاه‌به‌تنش‌های قومی مذهبی و بین‌المللی افزوده است. اما از آن‌جا که در این مطلب به دنبال ارائه راه‌کار هستیم کوشش می‌شود بعد از بیان هر مسئله، راه‌کارهای برون‌رفت و یا حداقل کاهش تأثیرات منفی آن نیز در حد توان بیان شود. ازاین‌رو، در مورد اخیر یکی از راه‌کارهای زیر جهت برون رفت پیشنهاد می‌شود:

- جلوگیری از دامن‌زدن به مشاجرات و تنش‌های قومی و مـذهبی کـه گـاه بـا تحریـک برخی افراد ازخارج از منطقه صورت می‌گیرد
- تلاش دولت جهت حذف موانع ارتباطی با ایجاد کانال‌ها و یا تسهیلات ارتباطی توسـط مدیران بالادستی در تفاهم‌ملی و قراردادهای بین دولت‌ها
- افزایش تعاملات فرهنگی، به‌ویژه در حـوزه‌ی ادب و هنـر بـه دلیـل دارا بـودن زبـان-وفرهنگ مشترک
- یادآوری تجربیات مثبت و مشترک در دوره‌های مختلف تاریخی با محـور ایجـاد حـس وحدت و وابستگی برای دوطرف
- تقویت ارتباطات مردم‌محور به جای تکیه بر ارتباطات دولت‌محور به دلیـل تأثیرگـذاری بیشتر آن

مسئله دیگری که بیشتر حاصل تغییرات زیست‌محیطی و بخشی از آن هم نتیجه‌ی طرح‌های توسعه‌ای است، بحث کمبود و کاهش منابع آبی و تخریب محیطزیست است. روشن‌اسـت‌کـه در توسعه‌ی پایدار هر منطقه، اصلی‌ترین رکن حفاظت از محیطزیست بـه عنـوان بسـتر طـرح‌هـای توسعه‌ای و سرمایه‌ای برای نسل‌های آینده اسـت. در سـالیان اخیـر، متأسـفانه خشکسـالی‌هـای پی‌درپی‌خراسان را تبدیل به یکی از مناطق درگیر با بحران آب کرده است. خراسانی که روزگاری قطب کشاورزی کشور بود و حتی برخی مناطقش انبار بعضـی‌محصـولات اساسـی کشـاورزی در کشور محسوب می‌شد، متأسفانه اکنون بـه دلیـل و کـاهش نـزولات جـوی و در کنـار آن عـدم مدیریت بهینه‌ی مصرف آب، چه در بخش کشاورزی و چه در بخش شهری، روز به روز وضـعیت بحرانی‌تر را تجربه می‌کند که پیامدهای اجتمـاعی، فرهنگـی و اقتصـادی ژرفـی چـون پدیـده‌ی مهاجرت، افزایش بی‌رویه و بی‌برنامه جمعیـت شـهرها، بیکـاری، کـاهش تولیـدات کشـاورزی و

وابستگی در این زمینه را در پی دارد. با این وجود، به نظر می‌رسد با برخی سیاست‌ها و برنامه‌های مدیریتی، حداقل می‌توان از گسترش این پدیده جلوگیری کرد که در زیربه برخی از آن‌هـا اشـاره می‌شود:

- اجرای طرح‌های آبخیزداری در حوزه‌ی کشاورزی
- استفاده از شیوه‌های نوین آبیاری
- افزایش کشت‌های گلخانه‌ای
- بهره‌گیری از سیستم تصفیه‌خانه‌ای برای بازگشت آب به چرخه‌ی کشاورزی
- کشت محصولات متناسب با شرایط منطقه (محصولات مناطق خشک و کمتـر نیازمنـد به آب)
- انتقال آب از مناطق بهره‌مند و مجاور به عنوان برنامه‌ای بلندمدت
- تفکیک آب‌خوردن از دیگر موارد استفاده از آب

بااجرای‌این‌راهکارها، نه تنها مـانع بسـیاری از بحـران‌هـای اجتمـاعی، فرهنگـی و اقتصـادی خواهیم شد، بلکه می‌توانیم با مدیریتی صحیح، گام‌های مؤثر در تقویت هویت تاریخی و فرهنگی این مرز و بوم برداریم.

تحقـق توسعه‌ی پایدار مبتنـی بر دانایی در عـرصه‌های مختلف

نتیجه‌ی توسعه‌ی پایدار مبتنی بر حاکمیـت شایسـتگی و دانـایی در عرصـه‌هـای اجتمـاعی، اقتصادی فرهنگی و زیست‌محیطی دو اصـل اساسـی اسـت: اول، ارتقـاء کیفیـت سـاکنان و دوم حفاظت از حقوق نسل‌های کنونی و آینده است. از جمله مـواردی کـه موجبـات اضـمحلال یـک سرزمین یا یک قوم ریشه‌دار را فراهم می‌آورد عدم توجه به نخبگان جامعه در عرصه‌های مختلف است، زیرا این نخبگان و فرهیختگان سرمایه‌های جامعه‌اند و ارزان‌ترین، بهترین و مطمئن‌تـرین منابع در دسترس برای پیشبرد اهداف متعالی به‌شمارمی‌آیند. اما هماننـد دیگـر منـاطق همسـایه، عدم توجه به این افراد سبب خـارج شـدن آن‌هـا از سیسـتم مـدیریتی و درنتیجـه، بـی‌تفـاوتی و مهاجرتشان خواهدشد.

مطلب دیگر حفاظت از حقوق نسل‌های کنونی و آینده است که بایدبه آن توجه داشت بزرگ-ترین آفت در این مقوله عدم مشارکت و یا عدم تأمین نیازهـا و در خواسـت‌هـای مردمـان ایـن

سرزمین به عنوان صاحبان و میراثداران هویت تاریخی و فرهنگی خراسان‌بزرگ‌است. که شرایط را برای فراموشی و بی‌ارزشی این دست‌آوردهای تمدنی نزد آنان و درنتیجه، عدم انتقال آن هابه - نسل‌های آینده رافراهم مـی‌آورد . خراسـان یکـی از پـیش‌قـراولان دفـاع از هویـت سـرزمینی و فرهنگی ایران‌زمین است که برای‌حفظ آن باید تدابیری اندیشیده شود. در زیر، به برخی از این راه کارها اشاره می‌شود:

- دخالت دادن عقلای قوم و متخصصان در عرصه‌های مختلف به عنوان مشاوران و حتی مدیران مورد وثوق
- تلاش برای بازگشت سرمایه‌های انسانی و فرهیخته به کشور از سـایر نقـاط بـا فـراهم کردن شرایط مناسب برای آنان در همه ابعاد
- توجه ویژه به مسئله آموزش و شناساندن سرمایه‌های مـادی و معنـوی بـرای بـالابردن اعتماد به نفس مردم و در نتیجه، حساسیت نسبت به این موضوع
- تقویت و یا ایجاد مراکز مردم‌نهاد با رویکـرد فرهنگـی و ادبـی بـا مـدیریت فعـالان و نخبگان این حوزه
- جمع‌آوری و حفاظت از سرمایه‌های معنوی و تاریخی در قالـب طـرح‌هـای پژوهشـی و ایجاد مراکز فرهنگی مرتبط با آن‌ها برای انتقال به نسل‌های جوان و آینده‌ساز

همواره شاهد بوده ایم که ملت هایی موفق ترند که پاسدار میراث معنوی و مادی خود با تکیه بر سرمایه‌های انسانی برای توسعه بوده‌اند.

آمـایش سرزمین بر مبنـای مـزیت‌های نسبی

در نظر گرفتن مزیت‌های نقاط قابل اتکا در هر منطقه به نحوی که هـر فـرد در وطـن خـود احساس آرامش و عزت کند و به آن افتخار نماید، یکی از اهداف اصلی برنامه‌ی آمـایش‌سـرزمین است که در هر برنامه‌ریزی بلندمدت تحقق آن، نشان دهنده‌ی مـوفقیتش اسـت. در ایـن‌جـا، بـه صورت موردی اشاره‌ای به برخی از این مزیت‌ها در منطقه‌ی خراسان می‌شود که توجه ویـژه بـه آن‌ها طبیعتاً نتایج مثبتی را به همراه خواهدداشت.

- مرکزیت معنوی ایران به واسطه‌ی وجود بارگاه مطهر حضـرت ثـامن الحجـج در شـهر مشهد مقدس
- دومین شهر مذهبی جهان بودن مشهد در تعداد پـذیرش زائر،برخـورداری از سـه اقلـیم خشک ، نیمه‌خشک و معتدل در نقاط مختلف خراسان، تنوع زیستی و گیاهی و قابلیـت تولید فرآورده های مختلف دامی و کشاورزی
- مطرح بودن به عنوان یکی از مراکز تولید فکر، اندیشه، علم و فرهنگ در طـول تـاریخ تاکنون
- خاستگاه یکی از سه امپراطوری بزرگ ایران باستان
- وجود مکان‌هااو بناهای مختلف تاریخی مربوط به به پیش و پس از اسلام
- دارا بودن سرمایه‌ی عظیم انسانی تحصیل‌کرده و متخصص
- معرفی آن به عنوان یکی از ۹ کـلان‌منطقـه کشـور توسـط شـورای منطقـه‌ی آمـایش سرزمین
- وجود زیرسـاخت‌هـای مناسـب ارتبـاطی، صـنعتی، آموزشـی و بهداشـتی در منطقـه و برخورداری از منابع انرژی (گاز) و مواد معدنی در سطحی مناسب و قابل اتکا

هر یک از قابلیت های اشاره شده‌ی بالا به تنهایی قادر است تحولی شگرف رادر یک منطقـه ایجاد کند حال در نظر بگیریم اگر مدیریتی صحیح بر همه آن‌ها اعمال‌شود، چـه تحـول صـورت می‌پذیرد که هیچ نیازی به تزریق سرمایه ، فکر و ... از خارج منطقه خراسان ندارد. برعکس بـی-توجهی به آن‌ها نتیجه ای جزادامه‌ی روند پسرفت و دوری بیشتر از دوران طلایی ندارد.

شنـاخت عنـاصر سازنده‌ی فـرهنگ و تمـدن

شناخت عناصر سازنده‌ی فرهنگ ، هنر ، دانش و تمدن اسلامی و ایرانـی بـه عنـوان عناصـر هویت‌بخشی و بهره‌گیری از مزیت های تاریخی ، فرهنگی خراسان از دیگر مؤلفه های کارآمد در بازیابی و تقویت هویت فرهنگی و مدنی خراسان است ، باید بپذیریم که خراسان دارای دو وجه و دو دوره‌ی متفاوت پیش و پس از اسلام است و پیشینیان ما در این سرزمین توانسته اند با تلفیـق

نمادهای مثبت این دو دوره، تمدنی نوین و باصلابت را پایه‌ریزی کنند که لازم اسـت در زیـر بـه گوشه هایی از آن اشاره شود.

- خاستگاه رستم پهلوان ایرانی و نماد مردانگی و قدرت ایرانی (سیستان)،
- در تاریخ افسانه ای و اسطوره ای،خراسان همواره مرز و سرحد شرقی ایرانشهر بـا اقـوام شرقی و به تعبیر دیگر مرز تمدن و بربریت شناخته شده است.
- در دوره‌ی تاریخی باستان، خراسان از جایگاهی راهبردی برخوردار بود تا آن‌جا که اولین پادشاه بزرگ‌ترین امپراطوری باستان و شرق (کورش هخامنشی) شخصاُجهت تثبیـت و دور کردن اقوام وحشی (ماساژت ها) به آن‌جا لشکرکشی کرد ودراین‌راه کشته شد.
- محل استقرار اردوی یکی از زبده‌ترین لشکرهای نظامی از گذشته تاکنون بوده است.
- برخی زادگاه زرتشت پیامبر ایرانی را در این منطقه عنوان کرده اند.
- یکی از سه زیارتگاه و معبد بزرگ زرشتی در این منطقه واقع است (نزدیک دامغان).
- خاستگاه و پایتخت یکی از سه امپراطوری بزرگ مهد باستان ایران (اشکانیان)،
- مرکز و پایگاه مسلمانان برای فتح آسیای میانه و مناطق شرقی،
- محل اسکان قبائل اصیل عرب پس از فتح، به‌دلیل نزدیکی آب و هوایی برخی منـاطق خراسان با جزیره‌ی عربستان.
- زادگاه بسیاری از فیلسوفان ،عرفا ، علمای دینی و اندیشمندان،
- صاحب مکتب در فقه اسلامی،
- مرکزیت اولین حکومت‌های ایرانی پس از اسلام (طاهریان ،صفاریان ، سامانیان و......)،
- جایگاه و پایتخت شعر فارسی پس از تقریباً دو قرن استیلای اعراب و زادگاه پدران شعر و ادب پارسی، یعنی رودکی و فردوسی؛
- مدفن امام هشتم شیعیان جهان امام علی بن موسی الرضا (ع)
- تأسیس بزرگترین حوزه‌ی علمیه شیعی در ایران تا قبل از تأسیس حوزه‌ی علمیه قم،
- خاستگاه بسیاری از جنبش‌های حق‌طلبان از سربداران تا انقلاب اسلامی،
- وجود آستان قدس رضوی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین مراکز فرهنگی جهـان اسـلام و شاید جهان در شهر مقدس مشهد،

- محل یکی از مکاتب اصلی شعر و ادب فارسی (مکتب خراسانی)

اگر بخواهیم این مزیت ها را ادامه بدهیم شاید همان‌طور که در ابتدای این تحقیق گفته شـد، در قالب حتی یک مقاله مستقل هم نگنجد. این مزیت‌ها می تواند ما را به توانی مجدد این مؤلفه ها در قالب طرح های آمایشی که میزانی جز شناخت و سپس کارآمد نمودن آن‌ها در مسیر توسعه پایدار ندارد، ترغیب کند.

ایجـاد تعادل منطقه ای و تقـویت نقش منطقه ای با سـازماندهی فـضا

سازماندهی فضایی خراسان و ایجاد تعادل و تقویت تقش منطقه ای با بهره‌گیری از قابلیت‌ها و مزیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و طبیعی این سرزمین با هدف ارتقاء جایگاه بین‌المللـی خراسان یکی از عوامل مهم در برنامه‌ریزی های آمایشی است که همواره باید مد نظر داشت. زیرا تنها بخشی از خراسان تاریخی در ایـران کنـونی واقـع شـده و بخـش عمـده ای از آن خـارج از مرزهای کنونی قرار دارد و پراکندگی های این منطقه کشـورها وسـیعی را شـامل مـی شـود کـه بهترین فرصت را در کنار عوامل زیر برای نقش‌آفرینی بین‌المللی خراسان فراهم می آورد:

- محل عبور کریدور اصلی شمال جنوب کشور،
- کوتاه‌ترین و به‌صرفه‌ترین مسیر دسترسی کشورهای آسیای میانه به آب‌های آزاد،
- امتداد جاده‌ی تاریخی ابریشم از شرق به غرب،
- بازار اصلی و تجاری کشورهای همجوار،
- مرکزیت امور درمانی و بهداشتی برای کشورهای همجوار،
- وجود مناطق آزاد تجاری و بازارچه های مرزی برای تسهیل تجارت در این منطقه،
- یکی از مراکز عقیدتی اصلی تشیع به واسطه‌ی بارگاه ملکوتی ثامن الحجج (ع)،
- دارا بودن فرهنگ و آداب و رسوم مشترک با کشورهای همسایه،
- دروازه‌ی ورود ایران و کشورهای واقع در غرب و جنوب ایران به منطقه‌ی شرقی آسیا و بازارهای بزرگی چون هند، چین و آسیای مرکزی،

- وجود ارتباطات مستمر تاریخی، قومی و مذهبی میـان مردمـان ایـن منطقـه و منـاطق مجاورو
- وجود اقوامی چون ترکمن ها ، تاجیک ها ،سیستانی ها ، بلوچ ها و .... در خراسان
- به‌عنوان پلی ارتباطی با هم نژادهایشان در کشورهای منطقه با خراسان و ایران.

در پایان، لازم است به مؤلفه اساسی دیگری که درسند ملی آمایش سرزمینی کشـور هـم بـه آن اشاره شده و تحقق آن چشم‌انداز روشنی را پیش روی ما ایجاد می‌کند بپردازیم.

حفظ وحـدت و یکپارچگی خـراسان

اگر ما خواهان خراسانی مقتدر و توسعه‌یافته هستیم که در سایه‌ی آن فرهنگ و تمدن کهـن خود را بازیافته، آن‌را تبدیل به بازویی توانمند برای ایران بنماییم، باید توجه داشته‌باشیم ایـن امـر میسر نمی شود مگر با حفـظ یکپـارچگی ودوری‌از چنـد پـاره کـردن ایـن منطقـه بـا تقسـیمات غیرضروری استانی و اداری؛ چرا که این‌امرنه تنها تأثیری در بحث مدیریت و توسعه در مقایسه با راه‌کارهای دیگر همچون آمایش سرزمین ندارد، بلکه گستره‌ی مردمان این‌سرزمین‌راکه با هر نژاد و زبان با کمال آرامش در کنار هم زیسـته انـد رابـرهم مـی‌زنـدو موجبـات احسـاس عـدم‌تعلـق وهمبستگی مردمان کشورهای همجوار در حوزه‌ی خراسان بزرگ را ایجاد کند.

نتیجه گیری

با توجه به این‌که آمایش و برنامه‌ریزی منطقه ای از جمله مباحثی اسـت کـه از ابتـدای قـرن بیستم طرح گردیده، در این شاخه نوظهور علمی، سعی بر آن بود تا به تفسیری روشن از چگونگی تحولات و رشد در فضاها و مناطق مختلف شهری و روستایی دست یابیم. اگرچه این بیان روشن در دیدگاه تفسیری و توصیفی جای داد، اما وجود دیـدگاه هنجـاری و تجـویزی روی دیگـر ایـن مباحث است.

در خلال سال‌های اخیر، استفاده‌ی‌بهینه از سرزمین به تناسب قابلیت‌ها و توانمندی هـای آن برای بارگذاری و توسعه فعالیت های مختلف در قالب طرح‌های آمایشی به عنوان یکـی ازمهـم-ترین ارکان توسعه‌ی پایدار از سوی بیشتر کشورها مورد پذیرش قرار گرفته است. ایران و منطقه-

ی خراسان نیز از این قاعده مستثنی نیست و همواره موضوع آمایش سرزمین و تأکیـد بـر توزیـع عادلانه فعالیت ها در پهنه‌ی سرزمین، به‌ویژه پس از انقلاب اسلامی در کانون توجه مسـئولان و سیاست‌گذاران قرار داشته است. با این حال، اگرچه مسئله آمایش سرزمین و عدالت سـرزمینی در خلال سال‌های گذشته، به‌ویژه در برنامه های توسعه و در زمره‌ی محوری‌ترین ارکان برنامـه هـا مطرح شده، اما به دلایل مختلف این اهداف محقق نشده است‌که ازجمله آن دلایل می تـوان بـه مسئله‌ی عدم تمرکز و جمع‌آوری منابع اطلاعات و برنامه‌ریزی های مختلف در قالب طـرح هـا و پژوهش‌هایی که توسط سازمان‌ها و نهادهای مختلف در گذشته صورت گرفته است، اشاره کرد.

وجود منبعی جهت بیان و معرفی این فعالیت ها می توانـد نقـش بسـزایی در ارتقـا و اجرایـی کردن این دست‌آوردهای ۴۰ ساله داشته باشد.

آمایش سرزمین زیربنای سـازماندهی توسـعه‌ی منطقـه‌ای اسـت. ایـن‌امـر بـه بیـانی دیگـر، ابـزار اصـلی برنامـه‌ریـزی و تصـمیم‌گیـری‌هـای منطقـه‌ای و ملـی اسـت. همچنـین آمـایش سـرزمین زمینـه‌ی اصـلی تهیـه‌ی برنامـه‌هـای توسـعه‌ی اقتصـادی واجتمـاعی هـر منطقـه را فراهم می‌آورد و ابـزار اصـلی تلفیـق برنامـه‌ریـزی‌هـای اقتصـادی و اجتمـاعی بـا برنامـه‌ریـزی های فیزیکی و فضـایی اسـت. از آن‌جـا کـه بـرای تحقـق اهـداف توسـعه، بایـد همـه‌ی منـابع اجتمـاعی اعـم از منـابع انسـانی، اقتصـادی و منـابع فضـایی و محیطـی‌را بـه‌کـار گرفـت و بـه کارگیری همه‌ی این‌هـا مسـتلزم برنامـه‌ریـزی اسـت، ازایـن‌رو آمـایش سـرزمین مبنـای طـرح ها و برنامه‌هـای جـامع توسـعه بـوده، پیونددهنـده‌ی برنامـه‌ریـزی‌هـای اقتصـادی، اجتمـاعی و فضایی یا مجموع آنان در قالب یک برنامه‌ریزی جامع در مقیاس ملی و منطقه‌ای است.

خراسان به‌دلیل ویژگی‌هایی چون وسعت زیادو خاستگاه تمدنی و فرهنگی، یکی از اصلی‌ترین کریدورهای اقتصادی و ارتباطی جهان (شمال به جنوب) و قطـب سیاسـی و اجتمـاعی تحـولات منطقه‌ای به ویژه درحیتیه‌ی تاریخی خود است. ازاین روبا توجه به مزیت‌ها و نقاط مثبت فراوانـی که به آن‌ها در خلال این تحقیق اشاره شد، به نظر مـی‌رسـد آمـادگی و قـابلیتی بـیش از سـایر مناطق برای اجرای آمایش سرزمین داشته باشد، و به این دلیل می‌تواند به عنوان اولین منطقه در کشور جهت مطالعه و اجرای طرح‌های آمایشی معرفی شود. ازاین لحاظ به نظر می‌رسد بـا وجـود بی مهری‌های انسانی و طبیعی، خراسان آماده جهش مناسب در مسیر توسعه‌ی پایدار و بازیابی و تقویت هویت فرهنگی و تمدنی خود در سایه‌ی برنامه آمایش سرزمین ، به شـرط اسـتمرار نگـاه ویژه مدیران بالادستی، به آن است.

فهرست منابع

آیت‌الله خامنه ای، سید علی. «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی و سیاست‌های کلی برنامه‌ی چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران» پایگاه اینترنتی اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری به نشانی http://www.khamenei.ir،۱۳۸۲.
تابش، احمد.« اندیشه‌ی توسعه و برنامه‌ریزی در ایران و چگونگی تشکیل سازمان مدیریت»،۱۳۶۴.
توفیق، فیروز.آمایش سرزمین، طرح کالبدی منطقه‌ی آذربایجان،تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی سابق، ۱۳۷۹ .
توفیق، فیروز. آمایش سرزمین، تجربه‌ی جهانی و انطباق آن با وضع کنونی ایران‌تهران: مرکز مطالعات شهرسازی و معماری ایران،۱۳۸۴.
«خلاصه و جمع‌بندی مطالعات مرحله‌ی دوم طرح پایه آمایش سرزمین اسلامی ایران»، تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه ای معاونت امور مناطق،۱۳۶۸.
رهبر، فرهاد. «تعامل مناسب دولت با نهاد های حاکمیتی غیر دولتی در امر آمایش سرزمین ضروری است»، سایت اینترنتی سازمان مدیریت وبرنامه‌ریزی کشور به نشانی http://www.mporg.ir، ۱۳۸۵.
سازمان برنامه وبودجه. «فهرست گزارش های طرح آمایش سرزمین برای تنظیم برنامه‌ی ششم عمرانی کشور»،۱۳۵۶.
سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به نشانی http://www.mporg.ir . «ویرایش های مختلف سیاست های کلی برنامه‌ی چهارم و چشم‌انداز ۲۰ ساله مصوب هیئت دولت و مجمع تشخیص مصلحت نظام».
عظیمی، حسین. توسعه و نهادسازی در ایران، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ،۱۳۷۹. عندلیب، علیرضا.« نظریه‌ی پایه و اصول آمایش مناطق مرزی جمهوری اسلامی ایران »،تهران: دوره‌ی عالی جنگ دانشکده فرماندهی و ستاد سپاه پاسداران ، ۱۳۸۰.
فولادی، محمد حسن. «تدوین نظام یک‌پارچه طراحی وبرنامه‌ریزی توسعه‌ی سرزمین»، سایت اینترنتی‌همایش‌آمایش‌سرزمین- درنشانی: (http://www.mporg.ir/seminar/amayesh sarzamin/natayej_ham.htm)
کتابچی، محمود . «سرمایه‌گذاری های دوباره»، روزنامه ایران. ۳ دی ۱۳۸۲.
«گزارش مصاحبه با صاحب‌نظران و مشاهدات در مرکز ملی آمایش سرزمین »،۱۳۶۵.
مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران. تهران: سازمان حفاظت محیط زیست،۱۳۷۹.
«مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی، محیط زیست» تهران: مرکز مطالعات شهرسازی،۱۳۶۹.
مجموعه مطالعات شرکت ستیران . ۱۳۵۴ . ۱۲ جلد .
محقق معین،محمدحسن. «طنز تلخ مدیریت و برنامه‌ریزی توسعه در ایران»،سایت اینترنتی شبکه معین علمی — شمع (در نشانی: http://www.moein.net).
مخدوم، مجید. «شالوده آمایش سرزمین»، دانشگاه تهران.
مطالعات طرح پایه‌ی آمایش. تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ، دفتر مطالعات آمایش سرزمین،۵ جلد، ۱۳۷۸.
مقنی‌زاده، محمدحسن. «ارزشیابی ثمربخشی دوره های علمی کاربردی»، تهران: موسسه پژوهش و برنامه ریزی آموزش عالی، ۱۳۸۰.
معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور.هفته‌نامه خبری— تحلیلی برنامه.
مک لئود، تاس اچ. برنامه‌ریزی در ایران براساس تجارب گروه مشاوره دانشگاه هاروارد در ایران، ترجمه‌ی علی اعظم محمدبیگی، تهران: نشرنی،۱۳۷۷.
مونتریشه، نیکول. آمایش سرزمین، ترجمه دکتر کاظم جاجرمی.۱۳۸۸.
مؤمنی، فرشاد. روزنامه ایران. ۳ اردیبهشت ۱۳۸۳.ص ۱۴.
میرزایی, حمیدرضا. روش تحقیق، چابهار: انتشارات دانشگاه بین‌المللی چابهار،۱۳۸۷.

«نظریه پایه‌ی توسعه‌ی ملی و چشم‌انداز بلندمدت توسعه‌ی فضایی کشور»، تهران: دفترآمایش و برنامه‌ریزی منطقه ای معاونت امور اقتصادی و هماهنگی،۱۳۷۹.
وزارت برنامه و بودجه.۱۳۶۴، «خلاصه و جمع‌بندی مطالعات مرحله‌ی اول طرح پایه‌ی آمایش سرزمین اسلامی ایران»، تهران: دفتر برنامه‌ریزی منطقه ای معاونت امور مناطق،۱۳۶۴.
وزارت مسکن و شهرسازی.« طرح کالبدی منطقه آذربایجان»،تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی ومعماری ایران۱۳۷۵.
هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران.« ضوابط ملی آمایش سرزمین»،تهران: تصویب‌نامه هیئت وزیران به شماره- ی:۴۱۲۷۹/ت۳۱۶۱۱ه،۱۳۸۳.

Don Mitchell Ther s no such thing as cuture: towards a reconceptualization of the idea culture in geography.transctionsof the institute of British geographers. (1985). Vo19. no 1.
Peter j. Taylor word-system analysis and regional geography. (1988).Vo19. no 1.
Deyon, Pierre “l ‘amenagement du territoire: une approche historique, (2001).